

هر مرحله تکامل و هر حادثه مهم بخاطر تحقق این شعارها . مثلاً ما شعارهای اساسی زیر را مطرح کردیم : "جبهه متحد ملی ضد ژاپنی" و "جمهوری دموکراتیک متحد" ، و سپس شعارهای زیر را بمشابه هدفهای مشخص عمل مشترک تمام خلق پیش کشیدیم : "جنگ داخلی را متوقف سازید" ، "برای دموکراسی مبارزه کنید" ، "به جنگ مقاومت پردازید" . بدون این هدفهای مشخص مسئله رهبری سیاسی منتفی میگردد . ثانیاً هنگامیکه تمام کشور برای نیل باین هدفهای مشخص وارد عمل میشود ، پرولتاریا و بویژه پیشاهنگ آن حزب کمونیست باید با ابراز شور و فداکاری فراوان در راه نیل باین هدفها نمونه باشد . در مبارزه بخاطر انجام کلیه وظایفی که منجر به ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و تأسیس جمهوری دموکراتیک میشود ، کمونیستها باید دورانندیشترین ، از خود گذشته ترین و پیگیرترین افراد باشند و در سنجش اوضاع موجود پیش داوری را بحداقل پائین بیاورند ، با کثرت توده ها اتکا کنند و پشتیبانی آنها را نسبت بخود جلب کنند . ثالثاً حزب کمونیست بدون آنکه هدف سیاسی معین خود را از نظر دور بدارد ، باید با تمام متحدین خود روابط مناسبی برقرار کند ، اتحاد خود را با آنها بسط دهد و استحکام بخشد . رابعاً باید صفوف حزب کمونیست را گسترش داد ، وحدت ایدئولوژیک و انضباط اکید را حفظ کرد . فقط با انجام شروط فوق است که حزب کمونیست میتواند رهبری سیاسی خود را بر قاطبه خلق تأمین کند . این شروط پایه ای برای تأمین رهبری سیاسی و تضمین پیروزی کامل انقلاب است و مانع از آن میشود که انقلاب فدای ناستواری متحدین ما گردد .

۱۸ - وقتیکه صلح داخلی بدست آمد و همکاری دو حزب برقرار گردید ، اشکال مبارزه و اشکال سازمانی و متدهای کار که با مشی ما در زمان

وجود آنتا گونیسم میان دو قدرت سیاسی ، مطابقت داشت ، باید تغییر کند . این تغییر بطور عمده عبارتست از تعویض طرق نظامی با طرق مسالمت آمیز ، و فعالیت غیرقانونی با فعالیت قانونی . این کار آسانی نخواهد بود ، باید از نوبه مطالعه پرداخت . تجدید تعلیمات کادرها یکی از حلقه های کلیدی کار ما خواهد بود .

۱۹ - بسیاری از رفقا سئوالاتی درباره خصلت جمهوری دموکراتیک و آینده آن مطرح کرده اند . پاسخ ما چنین است : این جمهوری از لحاظ خصلت طبقاتی ، اتحاد تمام طبقات انقلابی است ؛ این جمهوری در آینده میتواند در جهت سوسیالیسم تکامل یابد . جمهوری دموکراتیک ما در جریان انجام وظایف جنگ مقاومت ملی و تحت رهبری پرولتاریا و در اوضاع و احوال جدید بین المللی (پس از پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و در آستانه دوران جدید انقلاب جهانی) برقرار خواهد شد . بدین ترتیب این جمهوری با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی - اقتصادی ، یک دولت بورژوا - دموکراتیک خواهد بود ، ولی از لحاظ شرایط سیاسی مشخص ، دولتی است مبتنی بر اتحاد کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی و بورژوازی ؛ و از اینجهت با جمهوریهای بورژوائی معمولی تفاوت دارد . لذا این جمهوری با آنکه ممکن است در آینده راه سرمایه داری را در پیش گیرد ، ولی امکان اینرا نیز دارد که در راه سوسیالیسم گام گذارد ، و حزب پرولتاریای چین باید با تمام قوا بخاطر این دورنمای اخیر مبارزه کند .

۲۰ - یکی از شروط لازم برای انجام وظایف حزب مبارزه علیه سیاست "درهای بسته" ، مبارزه علیه آوانتوریسم و در عین حال مبارزه علیه دنباله روی است . حزب ما در مورد جنبشهای توده ای دارای گرایشهای سنتی است یعنی گرایشهای شدید به سیاست "درهای بسته" ، سکتاریسم متکبرانه و

آوانتوریسم. اینها گرایشهای زیانمندی هستند که نمیگذارند حزب جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را ایجاد کند و اکثریت توده‌ها را جلب نماید. از اینجبهت حتماً باید این گرایشهای زیانمند را از تمام بخشهای کار خود بر انداخت. آنچه که ما طلب میکنیم عبارتست از تکیه با اکثریت و در نظر گرفتن مجموعه اوضاع. ما همچنین نباید بگذاریم که سیاست دنباله‌روی چن دو سیو که انعکاس رفورمیسم بورژوائی در صفوف پرولتاریاست، تجدید شود. موضع طبقاتی حزب را ضعیف کردن، سیمای آنرا محو کردن، منافع کارگران و دهقانان را بخاطر نیازمندیهای رفورمیسم بورژوائی قربانی نمودن، ناگزیر انقلاب را بشکست میکشاند. آنچه که ما طلب میکنیم عبارتست از اجرای يك سياست انقلابی استوار و مبارزه بخاطر پیروزی تام و تمام انقلاب بورژوا - دموکراتیک. برای غلبه بر گرایشهای ناسالم فوق‌الذکر حتماً باید سطح تئوریک مارکسیستی - لنینیستی تمام حزب را بالا ببریم، زیرا فقط مارکسیسم - لنینیسم آن قطب‌نمایی است که انقلاب چین را بسوی پیروزی رهنمون خواهد شد.

یادداشتها

۱ - منظور "حادثه شمال چین" در سال ۱۹۳۵ يك سلسله حوادثی است که در آن زمان که شمال چین مورد تجاوز اشغالگران ژاپنی قرار گرفته و دولت گومیندان بریاست چانکایشک نیز در این بخش از کشور بيك رشته اعمال بر خلاف شرافت ملی و حق حاکمیت چین دست زده بود، رخ داد. در ماه مه همانسال اشغالگران ژاپنی از دولت گومیندان خواستند که حاکمیت آنها را بر شمال چین برسمیت بشناسد. در ماه ژوئن چه بین چین نماینده دولت گومیندان در این منطقه خواست ژاپنی‌ها را پذیرفت و با پوشی ژيرواومه تسو فرمانده نیروهای ژاپن در شمال چین قراردادی منعقد ساخت که بنام "قرارداد چه - او

مه تسو“ معروف است . چین طبق این قرارداد قسمت اعظم حق حاکمیت خود را بر چه به وچاهار از دست داد . در ماه اکتبر خائنین چینی در سیان هه واقع در استان چه به به تحریک اشغالگران ژاپنی دست به شورش زدند و مرکز این شهرستان را اشغال نمودند و در ماه نوامبر بدستور اشغالگران ژاپنی باصطلاح ”جنبش بخاطر خود مختاری پنج استان شمال چین“ را بر پا کردند و در مشرق چه به به یک حکومت پوشالی بنام ”دولت خود مختار ضد کمونیستی“ بوجود آوردند . سون جه یوان و دیگران بدستور حکومت گومیندیان ”شورای امور سیاسی چه به - چاهار“ را تشکیل دادند تا بدین ترتیب خواست اشغالگران ژاپنی را درباره تشکیل ”حکومت ویژه شمال چین“ برآورده سازند .

۲ - اشاره است به اعلامیه حزب کمونیست چین که در اول اوت ۱۹۳۵ انتشار یافت . نکات عمده این اعلامیه بقرار زیرند :

در این موقع که کشور ما در معرض انقیاد و خلع ما در معرض نابودی قرار گرفته ، حزب کمونیست یکبار دیگر از تمام هموطنان دعوت میکند : کلیه احزاب و گروههای سیاسی علیرغم اختلافاتی که در گذشته و امروز در عقاید سیاسی و منافع بین آنها وجود داشته و دارد ؛ کلیه افراد اقشار گوناگون میهن علیرغم اختلاف نظر و اختلاف منافع ؛ کلیه واحدهای مسلح علیرغم خصومتهایی که در گذشته و امروز بین آنها وجود داشته و دارد - همه ما باید عمیقاً پی ببریم که ”برادرانی که به نزاع خانگی مشغولند ، باید برای دفع حملاتی که از خارج می آید، با یکدیگر متحد شوند“ ، یعنی اینکه قبل از هر چیز ما باید بجنگ داخلی پایان دهیم تا بتوانیم تمام نیروهای کشور (اعم از انسانی ، مادی و مالی و همچنین نیروهای مسلح) را بمبارزه بخاطر امر مقدس جنگ مقاومت میهنی اختصاص دهیم . حزب کمونیست بار دیگر جداً اعلام میکند : اگر واحدهای گومیندیان حملات خود را علیه ارتش سرخ متوقف سازند و اگر هر یک از واحدهای نظامی در برابر ژاپن ایستادگی کند ، ارتش سرخ صرفنظر از دشمنیهای دیرینه و یا اختلاف نظرهای فعلی در مورد مسایل داخلی ، نه فقط هر گونه عمل خصومت آمیزی را نسبت باین واحدها فوراً متوقف میسازد بلکه آماده است دوش بدوش آنها برای نجات کشور مشترکاً مبارزه کند .

حزب کمونیست آماده است ابتکار تشکیل این نوع دولت دفاع ملی را بدست گیرد ، و حاضر است با تمام احزاب سیاسی ، با تمام سازمانها (اتحادیههای کارگری ، انجمنهای دهقانی ، انجمنهای دانشجویی ، اتحادیههای

بازرگانان ، انجمن‌های مربیان ، انجمن‌های روزنامه‌نگاران ، انجمن‌های معلمین و کارمندان مدارس ، جمعیت‌های همشهریها ، جی گون تان ، جمعیت دفاع از خود مسلحانه ملی ، جمعیت ضد ژاپنی ، جمعیت نجات ملی (غیره) ، با تمام شخصیت‌های معروف و دانشمندان ، با تمام رجال سیاسی و با تمام ارگانهای نظامی و اداری محلی - خلاصه با تمام کسانی که میخواهند در امر جنگ مقاومت میهنی شرکت جویند ، فوراً وارد مذاکره شود تا اینکه همگی باتفاق چنین دولت دفاع ملی را تشکیل دهیم . دولتی که بعد از این مذاکرات تشکیل میشود ، باید ارگان رهبری موقتی باشد که هدفش نجات میهن از انقیاد و تضمین بقاء آن است . يك چنین دولت دفاع ملی باید بکوشد مجلسی که نماینده واقعی تمام هموطنان ما باشد (با شرکت نمایندگان که برپایه دموکراتیک از طرف کارگران ، دهقانان ، نظامیان ، کارمندان دولت ، بازرگانان و دانشجویان ، تمام احزاب و تمام سازمانهایی که میخواهند در برابر ژاپن مقاومت کنند و میهن را نجات دهند و همچنین از طرف تمام مهاجرین چینی و تمام اقلیتهای ملی ساکن چین انتخاب میشوند) ، فراخواند تا تمام مسایل مربوط به جنگ مقاومت میهنی مشخصتر مورد مطالعه قرار گیرند . حزب کمونیست با تمام نیرو و کوشش خواهد کرد به دعوت چنین مجلس نمایندگان عموم خلق کمک کند و تصمیمات آنرا اکیداً بموقع اجرا گذارد .

يك ارتش متفق ضد ژاپنی باید از تمام واحدهائی که خواهان نبرد با ژاپن میباشند ، تشکیل شود . برای این ارتش باید ستاد کل واحدی تحت رهبری دولت دفاع ملی ایجاد گردد . اما درباره این مسئله که آیا این ستاد کل مرکب از نمایندگان انتخابی افسران و سربازان واحدهای نظامی مختلف ضد ژاپنی خواهد بود یا بطرز دیگری تشکیل خواهد شد ، نمایندگان تمام محافل و اراده تمام خلق تصمیم خواهند گرفت . ارتش سرخ حتماً نخستین ارتشی خواهد بود که در زمره این ارتش متفق در خواهد آمد تا وظیفه مقدس خود را که مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن است ، انجام دهد . برای آنکه دولت دفاع ملی واقعاً بتواند وظیفه سنگین دفاع از میهن را انجام دهد و ارتش متفق ضد ژاپنی نیز واقعاً بتواند وظیفه سنگین مقاومت در برابر ژاپن را بر عهده گیرد ، حزب کمونیست از تمام ملت دعوت میکند : آنهايي که پول دارند ، پول بدهند ؛ آنهايي که تفنگ دارند ، تفنگ بدهند ؛ آنهايي که غله دارند ، غله بدهند ؛ آنهايي که نیرو

دارند ، نیرو در اختیار بگذارند ؛ آنهایی که صاحب هنر و معلوماتند ، هنر و معلومات خود را عرضه دارند تا تمام هممیهنان ما عموماً بسیج شوند و توده‌های میلیونی با تمام سلاح‌هایی که در اختیار ماست ، اعم از قدیمی یا جدید مجهز گردند .

۳ - اشاره است به « قطعنامه درباره اوضاع سیاسی کنونی و وظایف حزب » که در جلسه ۲۵ دسامبر ۱۹۳۵ بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در وائو بائو واقع در شمال شنسی بتصویب رسید . این قطعنامه اوضاع داخلی و بین‌المللی و همچنین تغییراتی را که در مناسبات طبقاتی جامعه چین روی داده ، دقیقاً تحلیل نمود و سیاست حزب را معین ساخت . بخشی از این قطعنامه بقرار زیر است :

وضع کنونی نشان میدهد که تلاشهای امپریالیستهای ژاپن برای بلعیدن چین ، سراسر چین و جهان را تکان داده‌است . در حیات سیاسی چین تغییراتی در روابط میان طبقات و قشرهای اجتماعی ، میان احزاب سیاسی و میان نیروهای مسلح پدید آمده یا در حال پدید آمدن است . در جبهه انقلاب ملی و در جبهه ضد انقلاب ملی گروه‌بندی جدیدی از نیروها در حال تکوین است . بدینجهت مشی تاکتیکی حزب باید عبارت باشد از بسیج ، اتحاد و تشکل تمام نیروهای انقلابی در سراسر کشور و در درون تمام ملیتها بخاطر مبارزه علیه دشمن عمده روز - امپریالیسم ژاپن و چانکایشک ، این سرکرده خائنین به میهن . تمام افراد ، تمام گروهها ، تمام نیروهای مسلح و تمام طبقات در صورتیکه مخالف امپریالیسم ژاپن و چانکایشک میهن فروش باشند ، باید برای برآه انداختن يك جنگ مقدس انقلابی ملی ، برای بیرون راندن امپریالیستهای ژاپنی از خاک چین ، سرنگون ساختن سلطه نوکران آنها در چین ، تحقق بخشیدن به آزادی کامل ملت چین و حفظ استقلال و تمامیت ارضی چین متحد شوند . فقط وسیعترین جبهه متحد ملی ضد ژاپنی (که قشرهای بالا و پائین جامعه را دربر بگیرد) میتواند بر امپریالیسم ژاپن و نوکر آن چانکایشک پیروز گردد . البته افراد ، سازمانها ، طبقات و قشرهای اجتماعی و نیروهای مسلح مختلف که در انقلاب ملی ضد ژاپنی شرکت میجویند ، دارای انگیزه‌ها و مواضع طبقاتی مختلفی هستند . هدف بعضی از آنها اینستکه موقعیت موجود خود را حفظ کنند ، برخی دیگر در صددند رهبری جنبش را بدست آورند تا جنبش از حدودی که آنها جایز میدانند ، تجاوز نکند و عده‌ای واقعاً برای آزادی کامل ملت چین مبارزه میکنند . درست

بعلت اینکه آنها انگیزه‌ها و مواضع طبقاتی مختلفی دارند ، بعضی از آنها از همان آغاز مبارزه گرفتار تزلزل میشوند و از در خیانت در می‌آیند ، برخی در نیمه راه پاسیو میشوند یا از جبهه خارج میشوند و عده‌ای نبرد را تا پایان با قطعیت ادامه می‌دهند . اما وظیفه ما تنها این نیست که تمام نیروهای اساسی را که میتوانند در برابر اشغالگران ژاپنی مقاومت کنند ، متحد سازیم بلکه ما همچنین موظفیم تمام آنهایی را که میتوانند در مبارزه علیه ژاپن به متحدین ما بدل گردند ، متحد نمائیم و کاری کنیم که از میان خلق سراسر کشور ، آنهایی که نیرو دارند ، نیرو در اختیار بگذارند ؛ آنهایی که پول دارند ، پول بدهند ؛ آنهایی که تفنگ دارند ، تفنگ بدهند ؛ آنهایی که معلومات دارند ، معلومات خود را عرضه دارند ، بطوریکه حتی يك میهن‌پرست چینی هم خارج از جبهه ضد ژاپنی نماند . اینست مشی عمومی حزب در مورد تاکتیک وسیعترین جبهه متحد ملی . فقط با پیروی از این مشی است که ما میتوانیم نیروهای خلق تمام کشور را در مبارزه علیه دشمن مشترك - امپریالیسم ژاپن و چانکایشک میهن فروش - بسیج کنیم . طبقه کارگر و دهقانان چین کماکان نیروهای اساسی محرك انقلاب چین‌اند . توده‌های وسیع خرده بورژوازی و روشنفکران انقلابی مطمئن‌ترین متحدین آنها در انقلاب ملی میباشند . اتحاد استوار کارگران ، دهقانان و خرده بورژوازی نیروی اساسی است که بر امپریالیسم ژاپن و خائنین بملت و وطن‌فروشان غلبه خواهد کرد . پشتیبانی معنوی یا بیطرفی مودت آمیز و یا شرکت مستقیم بخشی از بورژوازی ملی و دیکتاتورهای نظامی در مبارزه علیه ژاپن و خائنین بملت و وطن‌فروشان علیرغم عدم موافقت آنها با انقلاب ارضی و حکومت سرخ ، به توسعه جبهه ضد ژاپنی کمک خواهد کرد ، زیرا که در نتیجه این جدائی مجموع نیروی ضد انقلاب کاهش خواهد یافت و مجموع نیروی انقلاب بهمان اندازه فزونی خواهد گرفت . برای نیل بدین هدف حزب باید طرق و وسایل مناسبی بکار برد تا تمام این نیروها را بطرف جبهه ضد ژاپنی جلب کند . از طرف دیگر حتی در اردوی مالکان ارضی و کمپرادورها هم وحدت کامل نیست . از آنجا که رقابت میان قدرتهای مختلف امپریالیستی بر سر چین ، موجب پیدایش گروههای میهن‌فروشی گردیده که با یکدیگر رقابت میکنند و در میان آنها نیز تضادها و برخوردهائی وجود دارد ، حزب باید طرق مختلفی بکار برد تا بعضی از این نیروهای ضد انقلابی فعلاً از

مخالفت فعال با جبهه ضد ژاپنی خودداری ورزند . همین تاکتیک نیز باید نسبت به تمام دولتهای امپریالیستی ، باستانای امپریالیسم ژاپن ، اعمال گردد . حزب ضمن اینکه برای مبارزه علیه دشمن مشترك خلق چین به بسیج ، اتحاد و تشکل نیروهای خلق میپردازد ، باید در درون جبهه متحد ضد ژاپنی نیز علیه هرگونه گرایش به تردید ، مصالحه ، تسلیم و خیانت با قاطعیت و بدون تزلزل مبارزه کند . هر کسیکه در جنبش ضد ژاپنی خلق چین تخریب کند ، خائن و میهن فروش است و باید مورد کیفر همگانی قرار گیرد . حزب کمونیست باید با گفتار و کردار قاطع و صحیح خود در مبارزه علیه امپریالیستهای ژاپنی ، خائنین و میهن فروشان رهبری جبهه ضد ژاپنی را بدست آورد . فقط تحت رهبری حزب کمونیست است که جنبش ضد ژاپنی میتواند به پیروزی کامل نایل آید . در مورد توده های وسیعی که در جنگ ضد ژاپنی شرکت میجویند ، لازم است مطالبات آنها را در مورد مسایلی که به منافع اساسی آنها مربوط میشود (مطالبه زمین برای دهقانان ، مطالبه بهبود شرایط زندگی برای کارگران ، سربازان ، تهیستان شهری و روشنفکران) برآورده کرد . فقط با برآوردن این مطالبات است که میتوان توده های مردم را بمقیاس هر چه وسیعتر در مبارزه علیه ژاپن بسیج کرد ، جنبش ضد ژاپنی را دوام بخشید و آنرا به پیروزی کامل رسانید . فقط از این طریق است که حزب خواهد توانست در جنگ ضد ژاپنی رهبری را بدست آورد .

همچنین رجوع شود به « درباره تاکتیکهای مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن » .

۴ - ارتش سرخ در تاریخ ۵ مه ۱۹۳۶ تلگراف سرگشاده ای به دولت نانکن فرستاد و در آن خواستار شد که جنگ داخلی متوقف شود و بمنظور مقاومت مشترك در برابر ژاپن مذاکرات صلح با حزب کمونیست آغاز گردد . متن کامل تلگراف بقرار زیر است :

به کمیسیون نظامی دولت ملی نانکن ، به تمام نیروهای دریائی ، زمینی و هوائی ، به تمام احزاب و گروههای سیاسی ، به تمام سازمانها ، به تمام مطبوعات ، به کلیه هموطنانی که نمیخواهند به انقیاد کشور بیگانه در آیند :

واحدهای پیشتاز ضد ژاپنی ارتش سرخ توده ای چین که طبق تصمیم کمیسیون نظامی انقلابی ارتش سرخ چین تشکیل شده ، پس از آنکه در لشکر کشی بسوی مشرق از رودخانه زرد عبور کردند ، در همه جا پیروز گردیده و پشتیبانی تمام ملت را بسوی خود جلب نموده اند . معذک در همان موقع که این واحدها راه آهن داتون - پوجو را اشغال میکردند و خود را فعالانه آماده میساختند که بسوی مشرق پیش روند و به

حه به برسند و مستقیماً با امپریالیستهای ژاپنی درگیر شوند ، چانکایشك بیش از ده لشکر به شان سی اعزام داشت تا به اتفاق ین سی شان از پیشروی ارتش سرخ علیه تجاوزکاران ژاپنی جلوگیری کند . بعلاوه او به سپاهیان جان سیوه لیان و یان هو چن و همچنین بواحدهای شمال شنسی فرمان داد که بمنظور ایذاء پشت جبهه ضد ژاپنی ما ، بسوی مناطق سرخ شنسی - گان سو پیشروی کنند . واحدهای پیشتاز ضد ژاپنی ارتش سرخ توده‌ای چین برای آنکه بتوانند علیه ژاپنی‌ها بعملیات نظامی مستقیم دست زنند ، میبایستی تمام نیروهای خود را تمرکز میدادند و سپاهیان چانکایشك را که راه جبهه را بر او بسته بودند ، نابود میساختند . اما کمیسیون نظامی انقلابی ارتش سرخ پس از تعمق زیاد به نتیجه زیرین رسید : در لحظه‌ای که میهن در خطر است ، نبرد قطعی میان دو طرف هرچه باشد نتیجه‌اش فقط تضعیف ظرفیت دفاعی چین خواهد بود و موجب رضایت کامل امپریالیستهای ژاپنی خواهد گردید . وانگهی در ارتشهای چانکایشك و ین سی شان نظامیان میهن‌پرست زیادی یافت میشوند که خواهان قطع جنگ داخلی و مقاومت مشترک در برابر ژاپن میباشند و اکنون برخلاف وجدان خویش فرمان چانکایشك و ین سی شان را مورد اجرا میگذارند و راه را بر ارتش سرخ که برای نبرد با ژاپنی‌ها در حرکت است ، می‌بندند . بنابراین برای حفظ نیروهای دفاع ملی و تسریع در شروع جنگ مقاومت ، برای عملی ساختن قاطع اعلامیه‌های مکرر ما خطاب بملت دایر بر لزوم پایان بخشیدن به جنگ داخلی و اتحاد در مبارزه علیه ژاپن و بالاخره برای تسریع در بیداری قطعی چانکایشك و نظامیان میهن‌پرست ارتش او ، کمیسیون نظامی انقلابی ارتش سرخ واحدهای پیشتاز ضد ژاپنی توده‌ای را علیرغم پیروزیهای متعددی که در شان سی بدست آورده بودند ، بساحل غربی رودخانه زرد باز گرداند . ما با این عمل صداقت خود را بدولت نانکن ، بتمام نیروهای دریائی ، زمینی و هوائی کشور و به قاطبه ملت نشان داده‌ایم : بمنظور قطع جنگ داخلی و مقاومت علیه ژاپن ما آماده‌ایم در ظرف یکماه با کلیه سپاهیان که به ارتش سرخ ضد ژاپنی حمله میکنند ، آتش بس دهیم و وارد مذاکرات صلح شویم . کمیسیون نظامی انقلابی ارتش سرخ بشما آقایان اعضاء دولت نانکن جداً توصیه میکند که در اینموقع که کشور ما در معرض انقیاد و خلع ما در معرض نابودی است ، آنگونه که عقل حکم میکند اظهار ندامت نمائید ، از گذشته خود ببرید و عمیقاً بیاندیشید که "برادرانی که به نزاع خانگی مشغولند ، باید برای دفع

حملاتی که از خارج میاید با یکدیگر متحد شوند"؛ از جنگ داخلی در سراسر کشور و در وهله اول در شنسی - گان سو - شان سی دست بردارید؛ و آنگاه هر دو طرف نمایندگان خود را تعیین کنند تا مشترکاً به ایجاد اقدامات مشخص برای مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن پردازند. این سعادت برای ملت و کشور خواهد بود و ضمناً به خیر و صلاح شما نیز هست. اما اگر شما لجوجانه از گوش دادن به ندای عقل سرباز زنید و ترجیح دهید که خائن بملت و میهن فروش باشید، رژیمتان سرانجام فرو خواهد ریخت و قاطبه ملت شما را از خود طرد خواهد کرد و سرنگونتان خواهد ساخت. ضربالمثل قدیمی میگوید: "هر آنکس که انگشت نمای هزاران نفر باشد، میمیرد بدون آنکه حتی بیمار باشد." ضربالمثل دیگری میگوید: "قصاب کافی است که ساطور خود را زمین بگذارد تا فوراً بودا شود." آقایان، امیدواریم درباره این سخنان ما عمیقاً بیاندیشید. کمیسیون نظامی انقلابی ارتش سرخ همچنین از تمام سازمانها، تمام احزاب، تمام خلق، تمام آلهائی که نمیخواهند به انقیاد کشور بیگانه تن در دهند، دعوت میکند که از پیشنهادات ما دایر بر آتش بس، مذاکرات صلح و وحدت در مبارزه علیه ژاپن پشتیبانی کنند، کمیته‌های عمل برای قطع جنگ داخلی تشکیل دهند، نمایندگان خود را به جبهه گسیل دارند تا عملیات جنگی را قطع و در اجرای کامل این پیشنهادات کمک و نظارت نمایند.

- ۵ - مراجعه شود به «اعلامیه درباره اعلامیه چانکایشک»، یادداشت ۷.
- ۶ - شعار جمهوری توده‌ای ابتدا در «قطعنامه درباره اوضاع سیاسی کنونی و وظایف حزب» مصوب جلسه دسامبر ۱۹۳۵ بوری سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و در گزارش رفیق مائو تسه دون «درباره تا کتیکهای مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن» مطرح شد. حزب بعداً برحسب اوضاع و احوال سیاستی اتخاذ کرد که چانکایشک را وادار به مقاومت در برابر ژاپن نماید؛ ولی چون حزب پیش‌بینی کرد که دارودسته چانکایشک این شعار را قبول نمیکند، در نامه‌ای که در ماه اوت ۱۹۳۶ به گومیندان نوشت، عنوان کرد که این شعار با شعار جمهوری دموکراتیک عوض شود. اندکی بعد کمیته مرکزی حزب در «قطعنامه درباره وضع جدید جنبش ضد ژاپنی و نجات میهن و درباره جمهوری دموکراتیک» مصوب سپتامبر همانسال، درباره شعار جمهوری دموکراتیک بطور مشخص توضیحاتی داد. این دو شعار که ظاهراً با یکدیگر اختلاف دارند، از لحاظ ماهیت یکسان‌اند. اینک دو قسمت از قطعنامه مصوب سپتامبر ۱۹۳۶

کمیته مرکزی حزب در مورد مسئله جمهوری دموکراتیک :
 کمیته مرکزی بر آنست که در وضع کنونی باید شعار ایجاد جمهوری دموکراتیک را به پیش کشید ، زیرا این شعار بهترین وسیله اتحاد تمام نیروهای ضد ژاپنی است برای آنکه تمامیت ارضی چین تأمین شود و کشور ما از مصیبت انقیاد و خلق ما از بلای نابودی مصون ماند . بعلاوه این شعار که از مطالبات توده‌های وسیع مردم در مورد دموکراسی برخاسته ، برای تشکیل جبهه متحد از همه مناسب‌تر است . منظور ما از جمهوری دموکراتیک ، یک دموکراسی است که از لحاظ جغرافیائی وسیعتر از رژیم دیکتاتوری دموکراتیک کارگری - دهقانی است که در قسمتی از سرزمین چین مستقر گردیده ، و یک رژیم سیاسی است بمراتب مترقی‌تر از دیکتاتوری حزب واحد که گویندگان در مناطق عمده چین برقرار نموده است . بدینجهت جمهوری دموکراتیک بسیج عمومی تمام نیروها و پیروزی کامل در جنگ مقاومت ضد ژاپنی را بیشتر تضمین خواهد کرد . در عین حال این جمهوری دموکراتیک نه تنها به وسیعترین توده‌های خلق چین امکان میدهد که در زندگی سیاسی کشور شرکت جویند ، سطح آگاهی سیاسی خود را بالا ببرند و نیروهای متشکل خود را افزایش دهند ، بلکه برای پرولتاریای چین و رهبر آن حزب کمونیست نیز میدان فعالیت وسیعی بوجود خواهد آورد که آنها بتوانند در آینده بخاطر پیروزی سوسیالیسم مبارزه نمایند . بهمین جهت حزب کمونیست چین اعلام میدارد که از جنبش بخاطر جمهوری دموکراتیک فعالانه پشتیبانی میکند و نیز اعلام میدارد که هنگامیکه جمهوری دموکراتیک در سراسر چین برقرار گردید و مجلسی که نتیجه آراء عمومی باشد ، دعوت شد ، مناطق سرخ فوراً بصورت بخش لاینفک این جمهوری در خواهند آمد ، اهالی این مناطق نمایندگان خود را برای مجلس انتخاب خواهند کرد و همان سیستم دموکراتیک در مناطق سرخ نیز اعمال خواهد شد .

کمیته مرکزی مؤکداً خاطر نشان میسازد که فقط با بسط مداوم جنبش خلق چین بخاطر مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن ، فقط با توسعه جبهه متحد ملی ضد ژاپنی تمام احزاب و گروههای سیاسی ، تمام محافل اجتماعی و تمام نیروهای مسلح ، فقط با تقویت نقش رهبری سیاسی حزب کمونیست چین در جبهه متحد ملی و تحکیم حداکثر قدرت سیاسی سرخ و ارتش سرخ ، فقط با مبارزه قاطع علیه تمام اقوال و افعالی که حق حاکمیت و شرافت ملی چین را پایمال میکند

و یا میتواند نیروهای جبهه متحد ملی را تضعیف کند ، میتوان دولت گومیندوان نانکن را به مبارزه علیه ژاپن وادار نمود و شرایط لازم را برای برقراری جمهوری دموکراتیک ایجاد کرد . بدون مبارزات سخت و مداوم ، بدون بسیج قاطبه خلق چین ، بدون اعتلاء انقلاب جمهوری دموکراتیک نمیتواند بواقعیت تبدیل شود . حزب کمونیست چین در جریان مبارزه بمخاطر جمهوری دموکراتیک باید طوری عمل کند که این جمهوری در آغاز امر برنامه ده مادهای جنگ مقاومت میهنی علیه ژاپن را که حزب ما پیشنهاد کرده ، اجرا نماید ووظایف اساسی انقلاب بورژوا - دموکراتیک چین را تاانجام کامل دنبال کند .

۷ - این تلگراف در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۳۷ مخابره شد و متن کامل آن بقرار

زیر است :

به سومین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندوان
آقایان !

سراسر کشور از حل مسألت آمیز حادثه سی ان خرسند است . از این پس امکان دارد که بتوان سیاست صلح داخلی و وحدت و همبستگی در برابر تجاوز خارجی را بمورد اجرا گذارد . این امر واقعاً مایه خوشبختی کشور و ملت است . در لحظه ای که اشغالگران ژاپنی با هاری تمام بتاخت و تاز مشغولند و حتی موجودیت ملت چین بسر موئی بسته است ، حزب ما امیدوار است که سومین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی حزب شما طبق این سیاست مواد زیر را بمشابه سیاست دولت تصویب کند :

(۱) - قطع جنگ داخلی در سراسر کشور و جمع آوری تمام

نیروهای کشور برای مقابله با دشمن خارجی ؛

(۲) - تضمین آزادی بیان ، اجتماعات و جمعیت و آزادی تمام

زندانیان سیاسی ؛

(۳) - دعوت کنفرانسی از نمایندگان تمام احزاب و گروههای

سیاسی ، تمام محافل اجتماعی و تمام نیروهای مسلح و بدین ترتیب اتحاد

تمام قریحه های ملت در يك نیروی واحد برای نجات میهن ؛

(۴) - تهیه سریع تمام تدارکات لازم جهت مقاومت در برابر ژاپن ؛

(۵) - بهبود شرایط زندگی خلق .

اگر سومین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی حزب شما بتواند با قاطعیت و مصممانه

این سیاست را بمشابه سیاست دولت تعیین کند ، حزب ما برای اثبات صداقت خود در امر همبستگی علیه تجاوز خارجی با پلنوم شما تعهد میکند :

(۱) - قطع سیاست قیام مسلح برای سرنگون ساختن دولت ملی در سراسر کشور ؛

(۲) - تغییر نام دولت دموکراتیک کارگری - دهقانی به دولت منطقه ویژه جمهوری چین و تغییر نام ارتش سرخ به ارتش انقلابی ملی ، و پیروی مستقیم این دولت و این ارتش از رهنمود دولت مرکزی نانکن و کمیسیون نظامی آن ؛

(۳) - برقراری سیستم دموکراتیک کامل بر پایه انتخابات همگانی در تمام مناطق تحت اداره دولت منطقه ویژه ؛

(۴) - قطع سیاست مصادره زمینهای مالکان ارضی و اجرای قاطع برنامه مشترک جبهه متحد ملی ضد ژاپنی .

۸ - در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۳۶ بیش از ۵۰۰۰ نفر از کارگران ۲۶ کارخانه بافندگی ژاپنی و چینی شانگهای اعتصاب پر دامنه‌ای کردند . کارگران کارخانجات بافندگی ژاپنی در چین دائو برای همدردی با کارگران شانگهای در ماه دسامبر به اعتصاب عمومی دست زدند . کارگران شانگهای پیروز شدند ، دستمزد آنها از ماه نوامبر بعد ۵ درصد افزایش یافت ، کارفرمایان متعهد شدند که دیگر کارگران را بدلبخواه خود از کار اخراج نکنند و آنها را مورد فحاشی یا ضرب و شتم قرار ندهند . اما اعتصاب چین دائو توسط تفنگ‌داران دریائی ژاپنی سرکوب گردید .

۹ - اشغال شان های گوان توسط اشغالگران ژاپنی و نفوذ آنها در شمال چین در سال ۱۹۳۳ و بویژه انعقاد "موافقت‌نامه حه - اومه تسو" در سال ۱۹۳۵ ضربات مستقیمی بود که امپریالیسم ژاپن در چین شمالی و چین مرکزی بمنافع امپریالیسم انگلستان و آمریکا وارد ساخت و بالنتیجه انگلستان و آمریکا را برانگیخت که روش خود را نسبت به ژاپن تغییر داده و در سیاست دولت چانکایشک نسبت به ژاپن تأثیر نمایند . هنگامیکه در سال ۱۹۳۶ حادثه سی ان پیش آمد ، انگلستان ابراز تمایل نمود که چین مطالبات ژاپن را که بمنافع بریتانیا در چین لطمه میزد ، رد کند و حتی گوشزد کرد که تا موقعی که چانکایشک قادر است بر خلق چین حکومت کند ، بد نیست که "با حزب کمونیست وارد نوعی اتحاد شود" تا به سیاست تجاوزکارانه ژاپن ضربه وارد آورد .

۱۰ - در ماه ژوئن ۱۹۳۶ لی زون ژن و بای چون سی دیکتاتورهای نظامی گوان

سی و همچنین چن جی تان دیکتاتور نظامی گوان دون بادیست آویز قراردادن شعار "مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن" علیه چانکایشک متحد شدند. در ماه اوت همانسال مخالفت آنان از طرف چانکایشک از طریق تفرقه و تطمیع در هم شکسته شد.

۱۱ - در ماه اوت ۱۹۳۶ سپاهیان ژاپنی و سپاهیان ارتش پوشالی چین هجوم خود را به سوی یوان آغاز کردند. در ماه نوامبر سپاهیان چینی مستقر در سوی یوان به مقاومت دست زدند و خلق سراسر کشور برای پشتیبانی از مقاومت آنها جنبشی برپا کرد.

۱۲ - پس از انعقاد "موافقتنامه سه - اومه تسو" در سال ۱۹۳۵ دولت گومیندان در نانکن تحت فشار موج احساسات ضد ژاپنی که در درون خلق چین بسط مییافت، و تحت تأثیر سیاست نسبتاً سخت امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی نسبت به ژاپن، روش نسبتاً محکمی در قبال ژاپن اتخاذ کرد. دولت گومیندان در مذاکرات خود با ژاپن از سپتامبر تا دسامبر ۱۹۳۶ از تاکتیک طفره رفتن استفاده کرد و این مذاکرات بدون نتیجه خاتمه یافت.

۱۳ - اشاره به جلسه‌ای است که ۱۵ فوریه ۱۹۳۷ پس از حل مسالمت‌آمیز حادثه سی ان از طرف کمیته اجرایی مرکزی گومیندان در نانکن تشکیل شد.

۱۴ - آه Q قهرمان داستان مشهور لوسیون، نویسنده بزرگ چین تحت عنوان «سرگذشت حقیقی آه Q» است. نویسنده در پرسوناژ آه Q نمونه انسانی را معرفی میکند که در کلیه شرایط زندگی، در بدبختی‌ها و ناکامی‌ها خود را تسلی میدهد و آنها را هر بار "پیروزی معنوی" می‌شمارد.

۱۵ - منظور از "سه اصل خلق" اصول و برنامه سون یاتسن درباره ناسیونالیسم، دموکراسی و رفاه خلق میباشد و بهیچوجه اشاره به جهان‌بینی یا سیستم تئوریک وی نیست. کمونیستها در مرحله انقلاب بورژوا - دموکراتیک با نکات اساسی برنامه سون یاتسن موافق بودند و با وی همکاری میکردند. اما این بهیچوجه بمعنای آن نبود که با جهان‌بینی یا سیستم تئوریک بورژوائی و خرده‌بورژوائی که او نمایندگ آن بود، موافقت داشتند. کمونیستها بمشابه پیشاهنگ پرولتاریای چین چه از نظر جهان‌بینی یا سیستم تئوریک و چه از نظر درک تئوریک مسئله ملی یا مسایل دیگر از ریشه با سون یاتسن تفاوت داشتند. مراجعه شود به اثر رفیق مائو تسه دون «در باره دموکراسی نوین».

۱۶ - گومیندان پس از آنکه در سال ۱۹۲۴ توسط سون یاتسن تجدید سازمان یافت، بصورت اتحاد انقلابی طبقات مختلف درآمد و کمونیستهای چین بشکل منفرد در آن شرکت جستند. گومیندان پس از آنکه در سال ۱۹۲۷ به انقلاب خیانت ورزید،

در سراسر چین با اصطلاح "تصفیه حزب" را آغاز کرد و کمونیستها و در درون گومیندان عده زیادی از عناصر چپ را که صدیقانه از سه اصل سیاسی اساسی سون یاتسن پشتیبانی میکردند، بقتل رسانید. از آن پس گومیندان بصورت يك حزب ضد انقلابی مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ درآمد.

۱۷ - منظور وضعی است که در نیمه اول سال ۱۹۲۷ در نتیجه خطای رهبری اپورتونیست کمیته مرکزی حزب ایجاد شد.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

در راه جلب توده‌های میلیونی خلق به جبهه متحد ملی ضد ژاپنی

(۷ مه ۱۹۳۷)

رفقا ! در جریان بحثی که در چند روز گذشته پیرامون گزارش من تحت عنوان «وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاومت علیه ژاپن» داشتیم ، همگی شما بجز چند رفیق که نظریات دیگری ابراز داشتند ، این گزارش را تأیید کردید . از آنجا که نظریات این چند رفیق نسبتاً مهم هستند ، من در نتیجه‌گیریهای خودم پیش از آنکه به مسایل دیگر پردازم ، ابتدا این نظریات را مورد بررسی قرار میدهم .

مسئله صلح

حزب ما قریب دو سال است که بخاطر تأمین صلح داخلی مبارزه میکند . پس از سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان ما گفتیم که صلح بدست آمده ، مرحله «مبارزه در راه صلح» پایان پذیرفته و وظیفه جدید ما

متن حاضر نتیجه‌گیریهای رفیق مائو تسه دون در ماه مه ۱۹۳۷ در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین است .

”تحکیم صلح“ است . بعلاوه ما خاطر نشان ساختیم که این وظیفه جدید با ”مبارزه بخاطر دموکراسی“ بستگی دارد ، باین معنی که ما باید صلح را از طریق مبارزه بخاطر دموکراسی تحکیم نمائیم . معدلك چند نفر از رفقا ادعا میکنند که این نظرات ما منطقی نیست . از اینجهت آنها ناگزیر یا باید به نتیجه گیریهای خلاف نتیجه گیریهای ما برسند و یا میان ایندو نوسان کنند . زیرا که آنها میگویند : ” ژاپن عقب نشینی میکند (۱) نانکن بیش از همیشه مردد است ، تضادهای میان دو کشور تخفیف می یابند ، در حالیکه تضادهای داخلی حادث تر میشوند .“ البته اگر این ارزیابی را مبداء قرار دهیم ، دیگر نمیتواند سخنی از مرحله جدید و وظایف جدید در میان باشد ، بلکه اوضاع بهمان مرحله پیشین باز میگردد و حتی از آنها بدتر میشود . ولی بنظر من این ارزیابی نادرست است .

وقتیکه ما میگوئیم صلح بدست آمده ، بهیچوجه منظورمان آن نیست که صلح تحکیم شده است ؛ برعکس ، ما میگوئیم که صلح هنوز نا استوار است . استقرار صلح و تحکیم آن دو موضوع متفاوت است . تاریخ ممکن است موقتاً بعقب باز گردد و امر صلح نیز ممکن است باموانعی مواجه گردد . علت این امر را باید در وجود امپریالیسم ژاپن و خائنین بملت و گروه طرفدار ژاپن جستجو کرد . اما واقعیت اینستکه پس از حادثه سی ان صلح داخلی برقرار شده است . این وضع در نتیجه وجود يك سلسله عوامل پدید گشته است (سیاست اساسی تهاجمی ژاپن ، روش اتحاد شوروی و همچنین روش انگلستان ، آمریکا و فرانسه که بسود صلح در چین است ، فشار خلق چین ، سیاست صلح جویانه حزب کمونیست در حادثه سی ان ، سیاست حزب کمونیست در مورد خاتمه دادن به آنتاگونیسیم بین دو رژیم ، انشعاب در درون بورژوازی ، انشعاب در درون گومیندان و غیره) ، و چانکایشك

به تنهائی قادر نیست صلح داخلی را برقرار سازد یا برهم زند. برای برهم زدن صلح او باید با نیروهای متعددی بجنگد و به امپریالیستهای ژاپن و گروه طرفدار ژاپن نزدیک شود، و گرنه موفق نخواهد شد. شك نیست که امپریالیستهای ژاپن و گروه طرفدار ژاپن، هر دو هنوز میکوشند که جنگ داخلی را در چین طولانی کنند. و اگر صلح تا کنون استحکام نیافته، درست بهمین دلیل است. در چنین وضعی ما باین نتیجه میرسیم که به شعارهای قدیمی یعنی "جنگ داخلی را متوقف سازیم" و "بخاطر صلح مبارزه کنیم" باز نگردیم، بلکه گاهی فراتر نهیم و شعار جدید "بخاطر دموکراسی مبارزه کنیم" را مطرح سازیم. زیرا این یگانه راهی است که به تحکیم صلح داخلی و مقاومت در برابر ژاپن منتهی میشود. چرا ما شعار سه گانه "صلح را تحکیم کنیم"، "بخاطر دموکراسی مبارزه کنیم" و "در برابر ژاپن مقاومت کنیم" را اعلام میداریم؟ زیرا که ما میخواهیم چرخ انقلاب را به پیش برانیم، زیرا که شرایط هم اکنون بما چنین امکانی را میدهد. چنانچه وجود مرحله جدید و وظایف جدید انکار شود، چنانچه انکار شود که گومیندان "شروع به تغییر کرده‌است"، چنانچه طبق همین منطق کامیابی‌های نیروهای مختلف که یکسال و نیم تمام است در راه صلح داخلی مبارزه میکنند، ناگزیر انکار شود، در جا خواهیم زد، بدون آنکه بتوانیم حتی يك قدم به پیش رویم.

برای چه این رفقا به چنین ارزیابی نادرستی رسیده‌اند؟ برای آنکه آنها در بررسی اوضاع کنونی از آنچه که اساسی است، آغاز نمیکنند، بلکه مبدا و حرکت آنها در بررسی اوضاع کنونی بسیاری پدیده‌های جدا از یکدیگر و گذراست (دیپلوماسی ساتو، دادگاه سوگو (۲)، سرکوب اعتصابات، انتقال ارتش شمال شرقی به مشرق (۳)، عزیمت یان هو چن بخارجه (۴) و غیره)؛ اینها همه در برابر چشمان آنان تصویر تیره‌ای از آینده ترسیم میکنند. ما

میگوئیم که گومیندان شروع به تغییر کرده است ولی در عین حال نیز تأکید میکنیم که هنوز تغییر کاملی در آن صورت نگرفته است. قابل تصور نیست که بپذیریم سیاست ارتجاعی دهساله گومیندان میتواند بدون مساعی جدید، بدون کوشش‌های بیشتر و بزرگتر ما و خلق از ریشه تغییر کند. عده زیادی که خود را "چپ" مینامند و معمولاً گومیندان را سخت بیاد ناسزا و دشنام میگیرند و حتی در هنگام حادثه سی ان طرفدار قتل چانکایشک و "حمله بخارج تون گوان" (۵) بودند، اکنون که بلافاصله پس از استقرار صلح حوادثی نظیر دادگاه سو جو رخ میدهد، با تعجب میپرسند: "چرا چانکایشک هنوز باینگونه کارها دست میزند؟" این افراد باید بفهمند که کمونیستها و چانکایشک نه خدا هستند و نه افراد منفرد؛ آنها در درون یک حزب و یک طبقه که خود عناصری از آن هستند، بسر میبرند. حزب کمونیست میتواند انقلاب را گام به گام پیش ببرد، ولی قادر نیست از امروز تا فردا تمام پلیدی‌های موجود در کشور را از میان بردارد. چانکایشک و گومیندان شروع به تغییر کرده‌اند، ولی آنها یقیناً نخواهند توانست در ظرف یکی دو روز، بدون کوشش‌های بیشتر قاطبه خلق خود را از آلودگی‌ها و چرکیهائی که ده سال تمام است سراپای آنانرا پوشانیده، منزه سازند. وقتیکه ما میگوئیم کشور بسوی صلح و دموکراسی و مقاومت مسلحانه روان است، منظورمان این نیست که میتوان بلایای دیرینه - مانند جنگ داخلی، دیکتاتوری و عدم مقاومت - را بدون بکار بردن مساعی کاملاً از میان برداشت. برای غلبه بر این بلایای مزمن و ستردن این چرکیها، برای پرهیز از پیچ و خمها و حتی بازگشت احتمالی بعقب در حین پیشروی بسوی انقلاب، راه دیگری جز مبارزه و کوشش و حتی مبارزه و کوشش طولانی وجود ندارد.

”آنها جز به نابود کردن ما بچیز دیگری نمی‌اندیشند.“ این درست است. آنها پیوسته میکوشند ما را نابود سازند. من صد در صد به صحت این ارزیابی ایمان دارم. انسان باید در خواب باشد که این حقیقت را نبیند. اما مسئله اینست که آیا شیوه‌هایی که بکمک آنها میخواهند ما را نابود سازند، تغییر نکرده‌است؟ چرا، من فکر میکنم تغییر کرده‌است. سیاست جنگ و کشتار جای خود را به سیاست رفورم‌ها و ریاکاریها، سیاست سخت‌گیرانه جای خود را به سیاست ملایم، و تاکتیک نظامی جای خود را به تاکتیک سیاسی واگذار کرده‌است. این تغییرات برای چیست؟ برای آنستکه بورژوازی و گومیندان در برابر امپریالیسم ژاپن موقتاً مجبورند در پرولتاریا متحدی برای خود بجویند، همانطور که ما در بورژوازی متحدی برای خود جستجو میکنیم. برای بررسی مسئله باید این وضع را مبداء گرفت. درست بهمین دلیل است که در عرصه بین‌المللی دولت فرانسه از خصومت نسبت به شوروی به اتحاد با آن روی آورده‌است (۶). در زمینه سیاست داخلی نیز وظایف ما از عرصه نظامی به عرصه سیاسی انتقال می‌یابند. ما را نیازی نیست که به توطئه و تحریکات توسل جوئیم؛ هدف ما اینستکه با تمام عناصری از بورژوازی و از گومیندان که با مقاومت در برابر ژاپن موافقت دارند، متحد شویم و از اینطریق مشترکاً بر امپریالیسم ژاپن غلبه کنیم.

مسئله دموکراسی

”تکیه بر روی دموکراسی اشتباه است، باید تکیه را فقط بر روی مقاومت در برابر ژاپن گذاشت؛ بدون عمل مستقیم علیه ژاپن نمیتواند جنبش دموکراتیکی در میان باشد؛ اکثریت خواهان دموکراسی نیست

بلکه خواهان مقاومت در برابر ژاپن است ، و بجا خواهد بود اگر ' جنبش
 و دسامبر ، دیگری برپا شود . "

اجازه می‌خواهم نخست چند سؤال مطرح کنم : آیا میتوان گفت که در
 مرحله پیشین (یعنی از جنبش و دسامبر ۱۹۳۵ تا سومین پلنوم کمیته
 اجرائی مرکزی گومیندان در فوریه ۱۹۳۷) اکثریت مردم فقط خواستار
 مقاومت در برابر ژاپن بودند و نه خواستار صلح داخلی ؟ آیا در آنزمان تکیه
 بر روی صلح داخلی اشتباه بود ؟ آیا امکان نداشت بدون عمل مستقیم علیه
 ژاپن جنبشی بخاطر صلح داخلی برپا گردد (حادثه سی ان و سومین پلنوم
 کمیته اجرائی مرکزی گومیندان ، پس از پایان مقاومت مسلحانه در سوی
 یوان پیش آمدند و امروز هنوز چیزی که قابل مقایسه با مقاومت مسلحانه
 در سوی یوان یا با جنبش و دسامبر باشد ، وجود ندارد) ؟ همه میدانند که
 صلح داخلی برای امر مقاومت در برابر ژاپن لازم است و بدون وجود این
 صلح مقاومت در برابر ژاپن ممکن نیست و این صلح شرط مقاومت در برابر
 ژاپن است . در مرحله پیشین کلیه فعالیت‌های ضد ژاپنی مستقیم یا غیر
 مستقیم (از جنبش و دسامبر تا سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان)
 حول مبارزه بخاطر صلح داخلی می‌چرخید ؛ مسئله صلح داخلی حلقه مرکزی
 و عنصر اصلی جنبش ضد ژاپنی طی مرحله پیشین بود .

در مرحله جدید نیز بهمین ترتیب دموکراسی برای مقاومت در برابر
 ژاپن عنصر اصلی است ؛ و مبارزه بخاطر دموکراسی عیناً بمعنی مبارزه بخاطر
 مقاومت است . مقاومت و دموکراسی متقابلاً شرط یکدیگرند ، درست همانطور
 که مقاومت و صلح داخلی و یا دموکراسی و صلح داخلی شرط یکدیگرند .
 دموکراسی ضامن مقاومت است و مقاومت میتواند برای رشد جنبش بخاطر
 دموکراسی شرایط مساعدی ایجاد نماید .

ما امیدواریم که در این مرحله جدید، مبارزات مستقیم یا غیر مستقیم متعددی علیه ژاپن داشته باشیم و مطمئناً نیز خواهیم داشت. این مبارزات جنگ مقاومت ضد ژاپنی را پیش میرانند و بمبارزه بخاطر دموکراسی کمک زیادی مینمایند. اما هسته و ماهیت وظیفه انقلابی‌ایکه تاریخ بر عهده ما گذارده، مبارزه بخاطر دموکراسی است. بدین ترتیب آیا پافشاری بر روی دموکراسی اشتباه است؟ من تصور نمیکنم.

”ژاپن عقب می‌نشیند، انگلستان و ژاپن هر دو مایلند بین خود تعادلی ایجاد کنند و نانکن بیش از همیشه مردد است.“ اینها نگرانیهای بی‌اساسی است که از عدم معرفت به قوانین تکامل تاریخ ناشی میشود. اگر در ژاپن انقلاب میشد و ژاپن باینجهت واقعاً چین را ترك میگفت، این به انقلاب چین کمک میرسانید، پاسخگوی انتظار ما بود و نشانه آغاز فرو ریختن جبهه جهانی تجاوز بشمار میرفت. آیا در اینصورت بازهم دلیلی برای نگرانی ما وجود میداشت؟ اما حقیقت اینست که چنین چیزی هنوز صورت نگرفته است؛ اقدامات دیپلماتیک ساتو تدارکی برای شروع يك جنگ پردامنه است، و ما با چنین جنگی روبرو هستیم. سیاست تزلزل‌آمیز انگلستان مسلماً بجائی نخواهد رسید؛ این واقعیت ناشی از اختلاف منافی است که میان انگلستان و ژاپن وجود دارد. اگر نانکن مدتی طولانی تردید بخرج دهد، دشمن قاطبه خلق قلمداد خواهد شد؛ وانگهی منافع خاص وی نیز امکان چنین تردیدی را باو نمیدهند. يك عقب‌نشینی گذرا نمیتواند قوانین عمومی تاریخ را تغییر دهد. بهمین جهت نمیتوان وجود يك مرحله جدید، لزوم طرح وظیفه مبارزه بخاطر دموکراسی را انکار نمود. بعلاوه شعار دموکراسی در هر اوضاع و احوالی مناسب است زیرا همه میدانند که خلق چین از دموکراسی نه زیاد بلکه کم برخوردار است. علاوه براین واقعیات نشان داده‌اند که

تعیین مرحله جدید و طرح وظیفه مبارزه بخاطر دموکراسی ، ما را به مقاومت در برابر ژاپن يك قدم نزدیکتر میسازد . زمان به پیش رفته است و ما نباید عقبه ساعت را بعقب باز گردانیم .

” چرا ما اینقدر روی مجلس ملی تکیه میکنیم ؟ “ زیرا مجلس ملی چیزی است که میتواند در تمام شئون زندگی کشور تأثیر بگذارد ، زیرا مجلس ملی پلی است که امکان میدهد از دیکتاتوری ارتجاعی به دموکراسی رفت ، زیرا مجلس ملی برای دفاع ملی واجد اهمیت است ، زیرا مجلس ملی يك دستگاه قانونی است . همانطور که رفقا پیشنهاد کرده‌اند ، پس گرفتن مشرق حه به و شمال چاهار ، مبارزه با قاجاق و مبارزه علیه ” همکاری اقتصادی “ (۷) و غیره کاملاً درستند ، ولی اینها با مبارزه بخاطر دموکراسی و مجلس ملی بهیچوجه در تضاد نیستند بلکه مکمل یکدیگرند ، معدلك نکته اساسی هنوز مجلس ملی و آزادی خلق است .

مبارزه روزانه علیه ژاپن و مبارزه برای بهبود شرایط زندگی خلق باید با جنبش بخاطر دموکراسی پیوند داشته باشد . این امر کاملاً صحیح است و در این مورد جای هیچگونه بحثی نیست . معدلك در مرحله کنونی دموکراسی و آزادی چیزهای مرکزی و اساسی هستند .

مسئله آینده انقلاب

چند تن از رفقا این مسئله را طرح کرده‌اند و من فقط میتوانم در اینجا به اختصار بدان پاسخ گویم .

وقتی اثری دارای دو بخش است ، فقط زمانی میتوان بخش دوم آنرا آغاز کرد که بخش اول اثر تمام شده باشد . انقلاب دموکراتیک را

بطور قاطع رهبری کردن شرط پیروزی سوسیالیسم است. ما بخاطر سوسیالیسم مبارزه میکنیم و درست همین امر است که ما را از هر طرفدار سه اصل انقلابی خلق متمایز میسازد. کوشش‌های کنونی ما در جهت نیل باین هدف بزرگ آینده است؛ کسیکه این هدف بزرگ را از نظر فرو بگذارد، کمونیست نیست. ولی کسیکه از کوشش‌های امروزی بکاهد، نیز کمونیست نیست.

ما هوادار تئوری گذار انقلاب (۸) هستیم، ما طرفدار گذار انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی میباشیم. انقلاب دموکراتیک در زیر شعار جمهوری دموکراتیک از مراحل متعددی خواهد گذشت. گذار از تسلط بورژوازی به تسلط پرولتاریا یک پروسه طولانی مبارزه خواهد بود، مبارزهای بخاطر هژمونی که موفقیت در آن به کوشش حزب کمونیست در امر ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و درجه تشکل پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی شهری بستگی خواهد داشت.

دهقانان متحد پابرجای پرولتاریا میباشند و بعد از آن خرده بورژوازی شهری میآید. در مبارزه بخاطر هژمونی، بورژوازی رقیب ماست.

برای آنکه بر تزلزل و ناپیگیری بورژوازی غلبه کنیم، باید به نیروی توده‌های خلق تکیه نمائیم و سیاست صحیحی اجرا کنیم، چه در غیر اینصورت بورژوازی بر پرولتاریا فایق خواهد آمد.

آنچه که ما می‌خواهیم، گذار بدون خونریزی است و بدین منظور نیز باید به بهترین وجه مبارزه کنیم؛ اینکه آیا ما باین هدف خواهیم رسید، به قدرت توده‌های مردم بستگی دارد.

ما هوادار تئوری گذار انقلاب هستیم و نه هوادار تئوری تروتسکیستی "انقلاب پی در پی" (۹). ما برآنیم که تنها با گذشتن از تمام مراحل لازم تکامل جمهوری دموکراتیک است که به سوسیالیسم دست خواهیم یافت. ما

با دنباله‌روی مخالفیم ولی مخالف آوانتوریسم و شتابزدگی نیز میباشیم . شرکت بورژوازی را در انقلاب به بهانه اینکه موقتی است رد کردن ، یا اتحاد با گروه ضد ژاپنی بورژوازی (در يك کشور نیمه مستعمره) را تسلیم‌طلبی خواندن ، نقطه نظر تروتسکیستی است که ما نمیتوانیم با آن موافقت داشته باشیم . امروز اتحاد با گروه ضد ژاپنی بورژوازی در واقع پلی است که باید از آن عبور کرد تا بسوی سوسیالیسم پیش رفت .

مسئله کادرها

برای رهبری يك انقلاب بزرگ احتیاج يك حزب بزرگ و تعداد زیادی کادرهای درجه اول است . در چین کشوری که ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد ، ممکن نیست به انقلابی بزرگ ، به انقلابی که در تاریخ بیسابقه است ، دست زد ، هرگاه رهبری آن در دست گروه اندکی متمرکز باشد ، هرگاه در حزب ، فقط رهبران و کادرهای کوتاه فکر و کوتاه نظر و بدون صلاحیت وجود داشته باشند . دیر زمانی است که حزب کمونیست چین حزب سیاسی بزرگی گردیده است ؛ حزب کمونیست چین علیرغم تلفاتی که در دوران ارتجاع داده است ، حزب سیاسی بزرگی باقی مانده و رهبران و کادرهای خوب فراوانی دارد . معدک تعداد آنها هنوز کافی نیست . سازمانهای حزبی ما باید در سراسر کشور گسترش یابند و ما باید آگاهانه ده‌ها هزار کادر و صدها رهبر درجه اول تربیت کنیم . آنها باید کادرها و رهبرانی باشند که بر مارکسیسم - لنینیسم بخوبی مسلط باشند ، از نظر سیاسی دوراندیش باشند ، در کار صلاحیت داشته باشند ، سرشار از روحیه فداکاری باشند ، بتوانند مسایل را مستقلاً حل کنند ، در برابر دشواریها محکم و استوار بایستند و با وفاداری و صداقت به ملت ،

به طبقه و به حزب خدمت کنند. حزب با تکیه بر این کادرها و رهبران است که با اعضای خود و در عین حال با توده‌ها ارتباط پیدا میکند؛ حزب با تکیه به رهبری قاطع آنها بر توده‌هاست که میتواند بر دشمن پیروز گردد. اینگونه کادرها و رهبران باید از خود خواهی، قهرمان بازی اندیویدوآلیستی، خودنمایی، تنبلی، پاسیویته، سکتاریسم متکبرانه مبری بمانند؛ آنها باید برای ملت و طبقه خود قهرمانان پاکباز باشند. چنین است خصایل و سبک کاری که اعضاء، کادرها و رهبران حزب باید دارا باشند. این درست همان میراث معنوی ایستکه ده‌ها هزار اعضای حزب، هزاران کادر و ده‌ها رهبران درجه اول که جان خود را در راه آرمان ما نثار کردند، باقی گذارده اند. تردیدی نیست که ما باید این خصایل نیکو را کسب کنیم، خود را بهتر تربیت نمائیم و به سطح انقلابی بازهم عالی‌تری ارتقا دهیم. معذک این هنوز کافی نیست، ما وظیفه دیگری نیز داریم و آن کشف عده زیادی کادرهای جدید و رهبران جدید در حزب و در سراسر کشور است. انقلاب ما وابسته به کادرهاست. همانطور که استالین میگوید: "کادرها تعیین کننده همه چیزند." (۱۰)

مسئله دموکراسی در درون حزب

نیل باین هدف مستلزم وجود دموکراسی در درون حزب است. اگر ما میخواهیم که حزب نیرومند باشد، باید بمنظور بسط نیروی فعالیت تمام حزب سانترالیسم دموکراتیک را اجرا کنیم. در دوران ارتجاع و جنگ داخلی سانترالیسم شدت بیشتری داشت. در دوران جدید سانترالیسم باید با دموکراسی پیوند نزدیک داشته باشد. تنها با اعمال دموکراسی است که

میتوان سراسر حزب را به فعالیت در آورد و در نتیجه تعداد زیادی کادر جدید تربیت کرد ، بقایای سکتاریسم را برانداخت و به حزب وحدت پولادین بخشید .

وحدت در کنفرانس و در سراسر حزب

پس از توضیح ، اختلاف نظری که در جریان کنفرانس بر سر مسایل سیاسی بروز کرد ، بر طرف گردید و وحدت نظر پیدا شد ؛ همچنین اختلاف میان مشی کمیته مرکزی و آن مشی ایکه تحت رهبری چند تن از رفقا دایر بعقب نشینی اتخاذ شده بود ، از میان برداشته شد (۱۱) . این امر نشان میدهد که حزب ما از وحدت استوار برخوردار است . این وحدت مهمترین پایه برای انقلاب ملی و دموکراتیک کنونی است ، زیرا فقط در سایه وحدت حزب کمونیست است که میتوان وحدت تمام طبقه و تمام ملت را تحقق بخشید ، و فقط در سایه وحدت تمام طبقه و تمام ملت است که میتوان پیروزی بر دشمن را بدست آورد و وظیفه انقلاب ملی و دموکراتیک را بانجام رسانید .

در راه جلب توده های میلیونی

خلق به جبهه متحد ملی ضد ژاپنی

هدف مشی صحیح سیاسی و وحدت استوار ما جلب توده های میلیونی خلق به جبهه متحد ملی ضد ژاپنی است . ما باید در میان توده های وسیع پرولتاریا ، دهقانان و خرده بورژوازی شهری بکار تبلیغاتی ، تهیه جی و تشکیلاتی پردازیم . برای عقد اتحاد با آن عناصر بورژوازی که با مقاومت در برابر ژاپن روی موافق نشان میدهند ، ما باید بازهم بیشتر کار

کنیم . برای آنکه سیاست حزب به سیاست توده‌ها تبدیل شود ، هنوز باید کوششهای مداوم ، پیگیر ، سخت و پرحوصله بخرج دهیم . بدون چنین کوششهایی کار ما به سرانجام نخواهد رسید . بدون کوشش برای جلب توده‌ها بهیچوجه نمیتوان جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را تشکیل داد و تحکیم نمود و وظایف این جبهه را به انجام رسانید و يك جمهوری دموکراتیک در چین تأسیس نمود . اگر ما با چنین کوششهایی بتوانیم میلیونها نفر از توده‌ها را به زیر رهبری خود در آوریم ، وظیفه انقلابی ما بسرعت انجام خواهد گرفت . کوششهای ما مسلماً به شکست امپریالیسم ژاپن و آزادی کامل ملت و جامعه خواهد انجامید .

یادداشتها

۱ - پس از حادثه سی ان امپریالیستهای ژاپن برای تحریک مقامات گومیندان به برهم زدن صلح داخلی که تازه در چین استقرار مییافت ، و همچنین به اخلاف در جبهه متحد ملی ضد ژاپنی که بتدریج تشکیل میگردد ، موقتاً به اقداماتی که ظاهراً حاکی از صلح و آشتی بود ، دست زدند . آنها دولت خودمختار پوشالی مغولستان داخلی را وادار کردند که دو پیام یکی در دسامبر ۱۹۳۶ و دیگری در مارس ۱۹۳۷ بدولت گومیندان در نانکن بفرستد و پشتیبانی خود را از آن دولت ابراز دارد . وزیرخارجه ژاپن ساتو که شخصاً برای جلب چانکایشک قدم پیش نهاد ، مزورانه ادعا کرد که ژاپن میل دارد روابط خود را با چین بهبود بخشد ، به چین در وحدت سیاسی و احیای اقتصادی یاری کند . از سوی دیگر ژاپن يك "هیئت بررسی اقتصادی" تحت ریاست یکی از شخصیتهای مالی خود بنام کنژی کوداما به چین فرستاد ، ظاهراً با این هدف که به چین کمک کند تا "ارگانهای مدرن دولتی خود را کامل کند" . این باصطلاح "دیپلوماسی ساتو" چیزی جز این توطئه‌های تجاوزکارانه نبود و بعضی‌ها که در اثر مانورهای کاذب امپریالیستهای ژاپن اغفال شده بودند ، آنها "عقب‌نشینی ژاپن" مینامیدند .

۲ - در نوامبر ۱۹۳۶ دولت گومیندان شن جیون ژو و ۶ تن دیگر از رهبران جنبش جنگ مقاومت میهنی را در شانگهای توقیف کرد. در آوریل ۱۹۳۷ دادستان دادگاه عالی گومیندان در سو جو علیه شن جیون ژو و دیگران "اقامه دعوی" نمود. اتهام آنها "توطئه علیه جمهوری" بود - اتهام بی پایه‌ای که مقامات ارتجاعی گومیندان معمولاً علیه هر جنبش میهن‌پرستانه از آن استفاده میکردند.

۳ - ارتش شمال شرقی که قبل از حادثه سی ان در سرحد شنسی و گان سو مستقر بود، با ارتش سرخ در شمال شنسی تماس مستقیم برقرار کرد. این ارتش که بشدت تحت تأثیر ارتش سرخ قرار گرفته بود، حادثه سی ان را بوجود آورد. در ماه مارس ۱۹۳۷ بدستور مرتجعین گومیندان که میخواستند رابطه آنها با ارتش سرخ قطع کنند و تخم نفاق در صفوف آن بیافکنند، ارتش شمال شرقی مجبور شد بسوی مشرق رهسپار شود و در حه نان و ان هوی مستقر گردد.

۴ - یان هو چن یکی از سران نظامی شمال غربی بود که به معیت جان سیه لیان حادثه سی ان را بوجود آورد. و بهمین جهت بود که آنها را باختصار "جان - یان" مینامیدند. پس از آزاد شدن چانکایشک، جان سیه لیان باتفاق او به نانکن عزیمت کرد، ولی بلافاصله در آنجا توقیف شد. در آوریل ۱۹۳۷ یان هو چن از طرف دارودسته ارتجاعی گومیندان معزول گردید و مجبور شد به خارجه مسافرت کند. هنگامیکه جنگ مقاومت آغاز گردید، یان بچین باز گشت و در همان موقع که خود را برای شرکت در مبارزه علیه ژاپن آماده میساخت، توسط چانکایشک بزندان افتاد. در سپتامبر ۱۹۴۹ هنگامیکه ارتش آزادیبخش توده‌ای به چون چین نزدیک میشد، یان در بازداشتگاه بقتل رسید.

۵ - تون گوان نقطه استراتژیک مهمی در مرزهای شنسی، حه نان و شان سی است. اغلب نیروهای گومیندان هنگام حادثه سی ان در مشرق این گذرگاه مستقر بودند. در آنموقع بعضی‌ها که بافرد "چپ" معروف بودند و از آنجمله جان گوه تائو اصرار میورزیدند که ارتش سرخ "بخارج تون گوان حمله کند" یعنی علیه سپاهیان گومیندان به تعرض پردازد. این پیشنهاد بر خلاف مشی کمیته مرکزی حزب بود که میخواست حادثه سی ان بطور مسالمت‌آمیز فیصله یابد.

۶ - پس از انقلاب اکتبر در روسیه امپریالیسم فرانسه مدتی طولانی نسبت به اتحاد شوروی سیاستی خصومت‌آمیز در پیش گرفت. بلافاصله پس از انقلاب اکتبر - از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ - دولت فرانسه در مداخله مسلحانه چهارده دولت علیه اتحاد شوروی فعالانه شرکت جست و حتی پس از شکست این مداخله سیاست ارتجاعی منفرد کردن